

# عملیات مجاهد شهید مصطفی نیکبخت

## انفجار مقر فرماندهی لجستیک شمال غرب سپاه پاسداران رژیم آخوندی در تبریز

سازمانهای بین المللی و قعی نگذاشت و سرانجام او را در ۸ تیرماه گذشته در ملاعام به دار کشید.  
مجاهد شهید مصطفی نیکبخت در سن ۱۶ سالگی نیز به خاطر هواداری از مجاهدین در تبریز دستگیر و شکنجه شده بود.  
انفجار و به آتش کشیده شدن مقر فرماندهی لجستیک شمال غرب پاسداران در عملیات مجاهد شهید مصطفی نیکبخت پاسخ آتشین به دژخیمان و جنایتکارانی است که گمان می کنند با سرکوب و ارباب و اعدام در ملاعام خواهند توانست از انفجار خشم خلق جلوگیری کنند و از کيفر جنایتهای خود بگریزند.  
ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور  
۷ مرداد ۱۳۸۰

مصطفی که به هنگام اعدام ۲۳ سال داشت، روز ۱۵ تیرماه ۷۹ در حالی که به همراه شماری از جوانان ارومیه مشغول شعارنویسی علیه سرمداران رژیم آخوندی بود، مورد حمله پاسداران نیروی انتظامی قرار گرفت که به زدو خورد و درگیری با آنان منجر گردید. در جریان درگیری یکی از پاسداران نیروی انتظامی به هلاکت رسید و مصطفی و تعداد دیگری از جوانان دستگیر شدند.  
مصطفی سپس در یک محاکمه برق آسا که در آن یک آخوند همزمان نقش قاضی و دادستان و هیأت منصفه و وکیل را ایفا می نمود، به اعدام محکوم شد.  
در همان زمان دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در اطلاعیه اول مرداد ۱۳۷۹ از مجامع بین المللی و سازمانهای مدافع حقوق بشر مداخله فوری برای جلوگیری از اعدام مصطفی نیکبخت را خواستار گردید. اما رژیم جنایتکار آخوندی به هیچ یک از اقدامات مراجع و

هموطنان عزیز،  
۶ مرداد ۱۳۸۰، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین در آذربایجان، مقر فرماندهی لجستیک شمال غرب سپاه پاسداران ضدمردمی واقع در اتوبان خروجی تبریز به سمت تهران را در یک تهاجم دلورانه منفجر کردند. در اثر انفجار، آتشی از خودروها و ماشین آلات و تجهیزات پاسداران ظلمت منهدم گردید و شعله های آتش که از فاصله دور هم قابل رؤیت بود، به هوا بلند شد. سپس مزدوران لشکر ۳۱ ضدعاشورای سپاه پاسداران که در مجاورت منطقه عملیات قرار دارد، همراه با ماشینهای آتش نشانی و نیروهای انتظامی به محل شتافتند.  
این عملیات قهرمانانه با نام و یاد مجاهد شهید مصطفی نیکبخت کارگر قالیباف، صورت گرفت که در روز ۸ تیر ۱۳۸۰، پس از تحمل یک سال شکنجه های وحشیانه، در خیابان مطهری ارومیه در برابر دیدگان مردم خشمگین شهر به شیوه حلق آویز در ملاعام اعدام شد.

### اجلاس بزرگ سالانه شورای ملی مقاومت ایران به مدت سه روز با شرکت ۵۵۲ تن از اعضا با حضور رئیس جمهور برگزیده مقاومت برگزار شد

### بیانیه شورا درباره انتخابات ریاست جمهوری رژیم، فعالیت های مقاومت و خیزش های اجتماعی



آسوشد پارس:  
۵۵۲ عضو پارلمان در تبعید شورای ملی مقاومت ایران، به نشست ۳ روزه خود که در آن مریم رجوی رئیس جمهور منتخب این شورا حضور پیدا کرد، پایان دادند.  
شورای ملی مقاومت در این اجلاس طی تصویب قطعنامه ای متعهد شد که «دیکتاتوری دینی در ایران» را سرنگون سازد.

خبرگزاری فرانسه:  
اتلاف اپوزیسیون ایران به نشست ۳ روزه خود در سالگرد تأسیس این اتلاف پایان داد و بر تعهد خود برای سرنگون ساختن دیکتاتوری دینی در ایران و آوردن آزادی و حاکمیت ملی در این کشور تأکید ورزید. ۵۵۲ عضو در جلسه شورا که به ریاست مسعود رجوی برگزار شد حضور یافتند. شورا اعلام کرد مقاومت طی سال گذشته به ۲۶۱ عملیات نظامی در داخل ایران شامل ۱۸۰ عملیات در سال ۲۰۰۱ دست زده است. بیانیه شورای ملی مقاومت اعلام داشت «این عملیات، تضادهای جناحی درون آخوندها را افزایش داده و بحران درونی آن را عمیقتر کرده و فرصت بیشتری برای گسترش جنبش اجتماعی علیه رژیم را فراهم ساخت».



### بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

همدستانان و همه آنهايي که به این رژیم نامشروع چشم دوخته اند، منکر حمایت اکثریت عظیم مردم ایران از این مقاومت هستند، می توانند بخت رژیم را در برابر شورای ملی مقاومت ایران در یک انتخابات آزاد برای ریاست جمهوری، بر اساس اصل حاکمیت ملت (و نه ولایت فقیه) یا در انتخابات مؤسسان، با تضمینهای کافی و تحت نظر ملل متحد، به آزمایش بگذارند. بنابراین باز هم تکرار می کنیم که این مقاومت خونبار توان و ظرفیت آن را هم دارد که برای اثبات مشروعیت خود و تعیین تکلیف نهایی با دشمن، به هر نوع آزمایش مسالمت آمیز از قبیل همه پرسی یا انتخابات آزاد با تضمینهای محکم بین المللی تن دهد تا عدم مشروعیت رژیم ضدبشری را در تمامیتش به همگان اثبات کند (قطعنامه فروردین ۷۸).



در پنجاهمین سال انتخاب دکتر محمد مصدق به نخست وزیری و در سالگرد قیام ملی و تاریخی ۳۰ تیر روز فراموش نشدنی و پرافتخاری که در سال ۱۳۳۱ پیشوای نهضت ملی و ضداستعماری مردم ایران را به قدرت بازگرداند،  
در بیستمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران در ۳۰ تیر سال ۱۳۶۰ که با ابتکار تاریخی و جسورانه آقای مسعود رجوی صورت گرفت،  
همزمان با بیستمین سالگرد ۳۰ خرداد سرآغاز مقاومت مسلحانه و «روز شهیدان و زندانیان سیاسی»  
با گرامیداشت یاد و خاطره زنان و مردانی که در سالهای حاکمیت استبداد مذهبی در راه کسب استقلال کشور و آزادی مردم و نیز تحقق دموکراسی، عدالت و پیشرفت به شهادت رسیدند،  
و با گرامیداشت سالروز بنیانگذاری ارتش آزادیبخش ملی ایران و خاطره رزمندگان دلیر ارتش آزادی و همه زنان و مردانی که در فاصله دو نشست شورا در عرصه نبرد با رژیم استبدادی حاکم جان باختند؛  
شورای ملی مقاومت ایران اجلاس بزرگ سالانه خود را در پایان تیرماه به مدت سه روز با شرکت ۵۵۲ تن از اعضا، با حضور رئیس جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی برگزار نمود.  
اعضای شورای ملی مقاومت پس از استماع گزارش مسئول شورا درباره تحولات سیاسی کشور، فعالیت های شورا و کمیسیونها و نمایندگان آن و هم چنین استماع گزارش فعالیت های مقاومت سراسری در داخل کشور به بررسی و بحث و مشورت پیرامون مهمترین رویدادها در فاصله دو اجلاس شورا پرداختند و به نتایج زیر رسیدند:

در پیوند با جایگزین دموکراتیک، ناقوس مرگ رژیم را به صدا درآورده است و آخوندهای حاکم را دچار وحشت و استیصال کرده است (قطعنامه فروردین ۷۸).  
۸- خاتمی که به عنوان دست پرورده و شاگرد بهشتی مورد توجه و عنایت ویژه محافل استعماری است، بارها به صراحت اعلام کرده که به ولایت خامنه ای وفادار است و آن را «منتسب به وحی» می داند، حال آن که لازمه رفرم در نظام جبار مذهبی حاکم بر کشور، حذف ولایت فقیه یا دست کم خلع ید عملی از ولی فقیه است (قطعنامه فروردین ۷۸).  
۹- گسستگیهای ناشی از دوره پایانی این رژیم، نشانه گشایش و استحاله نیست. تحولات و رویدادهای دوره ریاست جمهوری خاتمی هم نشان داده که باند او نه می خواهد و نه می تواند به رفرم سیاسی دست بزند. هدف واقعی این باند چیزی جز طولانی تر کردن عمر همین رژیم پیرامون «عمود خیمه نظام» نیست. تلاشهای مذبحخانه آنها در جهت آن است که نارضایتیها را کنترل کنند، از فوران خشم مردم و طغیان اجتماعی جلوگیری نمایند و به ویژه با جایگزین دموکراتیک و نیروهای سرنگون کننده رژیم نامشروع ارتجاعی به مقابله بپردازند... چنین است که خاتمی، لاجوردی را «خدمتگزار مردم» و صیادشیرازی را «سرباز فداکار اسلام و فرزند بروند ایران» می نامد؛ در تمامی زمینه های اساسی سرسپردگی خود را به ولایت خامنه ای اعلام می کند و بر قتلهای سیاسی و کشتار نویسندگان و روشنفکران سرپوش می گذارد (قطعنامه فروردین ۷۸).  
۱۰- جنبش مقاومت بر اساس تشخیص درست واقعیت موجود از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ به بعد، مقاومت قهرآمیز برای رسیدن به آزادی و حاکمیت مردمی در برابر استبداد خون آشام مذهبی را راه اصلی دانسته است... از همین روست که ارتش آزادیبخش را ابزار اصلی و معتبر برای سرنگونی رژیم با کمک مردم ستمدیده ایران تلقی می کند. با این همه، هم چنان که مسئول شورا به کرات اعلام کرده است، اگر آخوندهای حاکم بر ایران و

فداکارترین فرزندان مردم ایران، با شکنجه و قتل عام زندانیان سیاسی، با سرکوب و کشتار اقلیتهای ملی و مذهبی، با جنگ ضدمیهنی، با صدور تروریسم و ارتجاع، با برقرار کردن خفقان مطلق و با مجازاتهای وحشیانه بی مانند سنگسار؛ دریایی از خون بین خود و مردم ستمدیده ایران ایجاد کرده است؛ دفاع از این رژیم و هر یک از جناحهای آن و برقرار کردن رابطه با آنها، پایمال کردن خون شهیدان و دشمنی با آزادی و حاکمیت مردم ایران است. طرد کامل رژیم ولایت فقیه، رمز متمایز و خط قرمز پیکار آزادی به شمار می رود. عبور از این خط قرمز که حصار حیاتی و مرزبندی ملی ایرانیان در برابر حاکمیت آخوندی است، هر فرد یا جریان سیاسی را، هر چند سابقه یا داعیه مخالفت با رژیم داشته باشد، از جرگه مخالفان رژیم خارج و به ورطه خیانت می کشاند (بیانیه ملی ایرانیان - آذر ۷۷).  
۵- بیانیه ملی ایرانیان، که مصوبه شورای ملی مقاومت ایران است، از ارزشمندترین سندها و مصوبات مقاومت شمرده می شود. بیانیه ملی، که با مرزبندیهای اساسی خود هویت سیاسی ایرانیان میهن دوست و آزادیخواه را تعریف و مشخص کرده است، معیار تشخیص دوست از دشمن و مبنای قابل اتکای تنظیم رابطه با همه افراد و جریانهای سیاسی و جذب و دفع نیروهاست (قطعنامه فروردین ۷۸).  
۶- بالاگرفتن جنگ جناحها، محصول تضاد آشتی ناپذیر مردم با نظام ولایت فقیه و ناتوانی بن بست کل رژیم ارتجاعی پس از وقوع سویمین شقه در رأس آن است، رژیمی که ضربات و تهاجمهای سیاسی و نظامی مقاومت آن را از این پیش تر شقه و بی آینده کرده و به بن بست رسانده بود، و گرنه می توانست مانند رژیم شاه (در سال ۱۳۴۱) با مانورهای فریبکارانه خود را برای یک دوران از بن بست بیرون بکشد و تثبیت کند (قطعنامه فروردین ۷۸).  
۷- سه سره شدن رژیم، پدیده جدیدی را در جامعه به وجود آورده که هر روز ابعاد گسترده تری می یابد. این پدیده، فعال شدن پایه اجتماعی جنبش مقاومت سازمانیافته است که

نتیجه گرفت که صحت خطوط کلی و مواضع اساسی اتخاذشده توسط شورا طی چهار سال گذشته در جریان عمل به اثبات رسیده است. از این رو شورای ملی مقاومت ایران لازم می بیند برخی از مهمترین مبانی و مواضع اتخاذشده را مورد تأکید قرار دهد:  
۱- ناکام ماندن تلاش خامنه ای و باند او برای قبضه کردن کامل قدرت در این انتخابات و شکست فاحش کاندیدای ولی فقیه از رقیبش... چنان تغییری در صحنه سیاسی به وجود آورده که تصور هرگونه بازگشت به شرایط پیش از ۲ خرداد را به رؤیایی بپوش و تحقق ناپذیر مبدل کرده است. وضع جدید، که نمایش کاملی از ناتوانی نظام ولایت فقیه و ریزش شتاب گیرنده نیروهای آن است، از نظر توازن قوای درونی رژیم و نیز از نظر توازن قوا بین رژیم و مردم، تداعی کننده گسستگی رژیم شاه در دوران پایانی عمر خود می باشد (قطعنامه مهر ۷۶).  
۲- رژیم ضدبشری و ارتجاعی حاکم بر میهنمان بر استبداد مذهبی و ولایت فقیه استوار است و تمامی دسته بندیهای درونی آن، از جمله باند خاتمی، در سرکوب مردم، ترور مخالفان و صدور ارتجاع و بنیادگرایی اشتراک نظر و اشتراک منافع دارند و تا آن جا که به مقابله با خواسته های دموکراتیک و ترقیخواهانه مردم ایران برمی گردد، هیچ تضادی با یکدیگر ندارند... نظام ولایت فقیه به دلیل تضاد ماهیتش با حداقل حقوق شهروندان، قابلیت رفرم، گشایش، اصلاح و استحاله ندارد (قطعنامه مهر ۷۶).  
۳- رژیم ضدبشری ولایت فقیه را، که غاصب حقوق مردم ایران است، در تمامیتش با شعار «مرگ بر خامنه ای- مرگ بر فرسنگانی- مرگ بر خاتمی» نفی می کنیم و برای هیچ یک از جناحهای ذره بی مشروعیت قائل نیستیم (بیانیه ملی ایرانیان - آذر ۷۷).  
۴- از آن جا که موجودیت و قانون اساسی رژیم آخوندی بر سلب حق حاکمیت ملت مبتنی است و از آن جا که این رژیم با اعدام یکصد و بیست هزار تن از آگاهترین و

### زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران